

حَرْفِ دِلِ حَضْرَتِ ذُو الْفَقَارِ

حَرْفِ دِلِ حَضْرَتِ ذُو الْفَقَارِ، بَه به نجف
نِوِشْتِه رَوِی عَرَشِ کِرْدِگَار، بَه به نجف
بَانِگِ مَلَائِکِ شُدِه بِي شُمار، بَه به نجف
ذِکْرِ دِلایِ مَسْت و بِي قَرار، بَه به نجف

(آرامش، نجف همون جاییه که می خوامش) ۲

(آرامش، کاشکی بشم یک نفر از خدامش) ۲

عَرَقِ تَماشایِ نجف

بَه به سیمایِ نجف

مَسْتَم

گُفْتَم به ایوانِ نجف

بَه به آقایِ نجف

مَسْتَم

مَسْتَم زِ الطَّافِ نجف

بَه به آنگورِ نجف

مَسْتَم

مِن عَبْدِ مَعْبُودِ نجف

بَه به مولایِ نجف

(علی مولا) ۳

می خونه خورشید توی آسمان، بَه به نجف

نَعْمَه‌ی لاهوتیِ قُدسیان، بَه به نجف

ذِکْرِ لَبِ کَعْبَه به صُبح و شام، بَه به نجف

حَرْفِ دِلِ مَن اینه وَالسَّلَام، بَه به نجف

(دیوونه، مَسْتِ نجف شُدَم اَصْن معلومه) ۲

(می خونه، شَبَا توو ایوانِ طَلا دیوونه) ۲

دَسْتَم به دَمانِ نجف

بَه به شَب‌هایِ نجف

مَسْتَم

خَاکَم به فَرمانِ نجف

هُو به بابایِ نجف

مَسْتَم

بَه به چِه جَذابه نجف

هُو به اَربابِ نجف

مَسْتَم

مِن کَلْبِ سَگ‌هایِ نجف

بَه به صَهبایِ نجف

(علی مولا) ۶

حَرْفِ دِلِ حَضْرَتِ ذُو الْفَقَارِ، بَه به نجف

نِوِشْتِه رَوِی عَرَشِ کِرْدِگَار، بَه به نجف

بَانِگِ مَلَائِکِ شُدِه بِي شُمار، بَه به نجف

ذِکْرِ دِلایِ مَسْت و بِي قَرار، بَه به نجف

(آرامش، نجف همون جاییه که می خوامش) ۲

(آرامش، کاشکی بشم یک نفر از خدامش) ۲

عَرَقِ تَماشایِ نجف

بَه به سیمایِ نجف

مَسْتَم

گُفْتَم به ایوانِ نجف

بَه به آقایِ نجف

مَسْتَم

مَسْتَم زِ الطَّافِ نجف

بَه به آنگورِ نجف

مَسْتَم

مِن عَبْدِ مَعْبُودِ نجف

بَه به مولایِ نجف

(علی مولا) ۳